

# تمام صفحه‌ها را خط می‌زنم تا شاعر را از اول بنویسم

O مهدی طهوری

هست که من به راحتی می‌توانم از آن‌ها ایراد بگیرم و اصلاً فکر نکنم که زیبایی و تازگی‌شان این اجازه را به من نمی‌دهد. مثلاً درباره این بند:

کسی که درد دارد  
ولی دوا ندارد  
شکستن دل او  
چرا صدا ندارد

می‌توانم بنویسم: ساده‌انگارانه و قدیمی است و زبانش طراوت ندارد.

عموم شعرهای این مجموعه و شاید اصولاً شعرهای کودک و نوجوان، برای سراسر زمان‌ها سرود نشده است و خواندن آن‌ها، مثلاً ده‌ها سال بعد، یادآور خاطره خاصی نمی‌تواند باشد. این‌گونه است که نشانه‌گذاری این شعرها، چندان باعث گره‌گشایی از متن آن‌ها نمی‌شود. مثلاً ما وقتی پس از خواندن شعر «لهجه اشک‌های منش»، واژه‌های «آسمان»، «شب»، «ستاره»، «دعا» و «خدا» را از نشانه‌های این شعر می‌دانیم و علی‌الخصوص، تأکید می‌کنیم که «دعا» و «خدا» کلیدی‌تر است، اشاره ما آن چنان نیست که لایه‌ای از لایه‌های اثر را معرفی کند که در خواندن اولیه شعر به آن دست نیافته‌ایم. این اشاره ما همان قدر راه‌گشاست که من متن اثر:

راستی، اشک هم‌زبان دعاست  
ساده با واژه‌های بی پایان  
لهجه اشک‌های من گاهی

خیلی وقت‌ها گبرایی یک کتاب، آن قدر زیاد است که ما را از نقد و نظر درباره آن منصرف می‌کند. گاهی این گبرایی، به یک اثر از آن کتاب محدود می‌شود و گاهی هم به یک قسمت از یک اثر. «کوله پستی ات کجاست»، مجموعه یک دستی نیست و تمام شعرهای آن، آن قدر گبرایی ندارد که ما را مفتون و افسون خود کند تا بی‌اختیار در آن شناور شدیم. البته لایه‌لای شعرهای این مجموعه، قطعه شعری هست که با سلیقه شخصی من خیلی خوب جور درمی‌آید و آن قدر مفتون آن هستم که دیگر برایم اهمیت ندارد که شاعر در این شعر، «من» را با «حتماً» هم قافیه کرده باشد:

کفش کوهم به من قول داده  
تا دماوند با من بیاید  
مثل یک همسفر، مثل یک دوست  
تا خود قله حتماً بیاید

و تا آخر شعر که سه بند بیشتر نیست، این تازگی و زیبایی و افسون ادامه دارد. اتفاقاً مجموعه شعر «کوله پستی ات کجاست»، به غیر از این شعر، بندهای دیگری هم دارد که مرا سحر کرده است؛ البته فقط بندهایی:

تو بیش از حد خدایی  
من اما هیچ هستم  
تو بسیاری، زیادی  
ولی من کوچک و کم  
و خیلی طبیعی است که بندهای فراوانی



عنوان کتاب: کوله پستی ات کجاست؟

شاعر: عرفان نظرآهاری

تصویرگر: علی نامور

ناشر: به نشر (استان قدس رضوی)

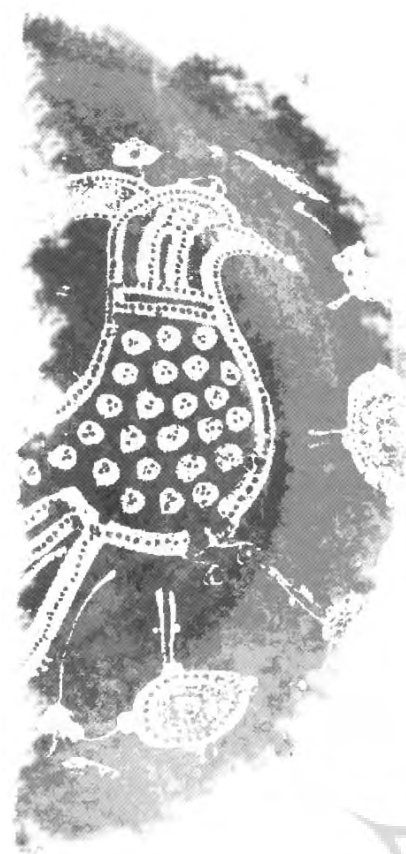
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۱

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۴ صفحه

بها: ۳۵۰ تومان

البته لایه لایه شعرهای این مجموعه، قطعه شعری هست  
 که با سلیقه شخصی من خیلی خوب جور درمی آید و  
 آن قدر مقنون آن هستم که دیگر برایم اهمیت ندارد که  
 شاعر در این شعر، «من» را با «حتماً»  
 هم قافیه کرده باشد



می شود مثل لهجه باران  
 و حتی شاید متن اثر، راه گشایر باشد. حال،  
 وقتی شاعر از نشانه های تازه تری استفاده می کند -  
 نشانه هایی مثل فولکس و پراید - داستان کمی  
 متفاوت می شود. فرض کنیم شعر «اسیر قصه های  
 بازار» را اصلاً نخوانده ایم و فقط می دانیم که  
 فولکس و پراید، از نشانه های آن هستند. ابتدا شاید  
 این گمان به ما دست بدهد که شاعر خواسته  
 اعصاب خوانندگان بزرگسال خود را بشکند و خرد  
 کند. دیگر این که فولکس، ماشینی قدیمی و پراید،

اتومبیلی جدید است و شاید همین تقابل، شعر را  
 می سازد. ولی وقتی به سراغ شعر می رویم:

فولکس ما دلش گرفته  
 برای این که پیر و تنه است  
 شناسنامه اش قدیمی ست  
 خودش ولی تمیز و زیباست

در می یابیم که آن قدر زبان شاعر نرم است که  
 فولکس در آن حل شده است و اعصاب خوانندگان  
 هم به هم نمی ریزد. از طرفی، تقابل قدیم و جدید  
 هم در شعر وجود دارد و همین سمت و سوگیری  
 تازه، یعنی شعر گفتن درباره فولکس، خود به خود،  
 حال و هوای شعر را هم تازگی بخشیده است. اما  
 شعر «اسیر قصه های بازار»، شعری برای سراسر  
 زمان ها نیست؛ چرا که نشانه های فولکس و پراید،  
 آن را به زمان خاصی مقید کرده است. در سطح  
 پایین تری کوله پشتی، کفش کوه، کیسه خواب،  
 گلیه، گیوه، قلاب بافی، سرخاب، منجوق و ترمه نیز  
 می تواند به بعضی شعرهای دیگر این مجموعه،  
 محدودیت زمانی ببخشد. بیشتر شاعران کودک و  
 نوجوان و شاید تمام آن ها، قسمتی از هم و غم خود  
 را روی سرودن شعرهای مذهبی گذاشته اند. این  
 همت، گاهی به دلیل سفارش ناشر است و گاهی،  
 پولی، موقعیتی در آن خوابیده و گاهی هم غلیان  
 احساس است. شعرهای مذهبی کتاب  
 «کوله پشتی ات کجاست»، از طرفی نظم ظاهری  
 بسیاری از این مجموعه ها را ندارد. مثلاً

مجموعه هایی با ۱۴ شعر درباره ائمه که از حضرت  
 محمد (ص)، شروع می شود و با حضرت مهدی  
 (ع) پایان می پذیرد. مثلاً یک مجموعه شعر کامل،  
 همه درباره حضرت علی (ع) یا مجموعه ای درباره  
 عاشورا و... از طرف دیگر، نظمی بر آن حاکم است  
 که بر بیشتر کتاب های مذهبی شعر کودک و  
 نوجوان حاکم نیست. فرمول این نظم، البته نسبت  
 به نظم کتاب های دیگر، فرمول پیچیده تری است.  
 به این معنا که شاعر، خود را به داخل شعرهایش  
 برده و نه تنها پرتو خود را بر آن ها تابانده، حتی  
 خودش هم از آن ها الهام گرفته است و هر اثر  
 مذهبی او با اثر مذهبی دیگرش ارتباط برقرار  
 می کند. این جاست که شاعر ابایی ندارد وسط  
 شعری که برای کوه گفته، دلمشغولی اش، یعنی خدا  
 را هم وسط بکشد. ابا ندارد که هیچ، شاید اصلاً  
 حواسش هم به آن نباشد. که لحن حرف زدنش با  
 خدا، از مجموعه قبل تا این مجموعه چقدر فرق  
 کرده است. مجموعه پیشین شاعر، «پشت  
 کوچه های ابر» نام دارد. حدود نیمی از شعرهای آن،  
 درباره خدا سروده شده است. اما در آن مجموعه،  
 هنوز ذهن شاعر به خود اجازه نمی دهد که خدا را به  
 چالش بکشد:

خدا یعنی که ماهی ضرب در آب  
 خدا یعنی که جمع بال و پرواز  
 خدا یعنی زمین با لحظه هایش  
 خدا یعنی که هر چیزی از آغاز





در واقع، فقط از خدا تعریف می‌کند. اما در مجموعه جدید، شاعر آن قدر به خدا نزدیک می‌شود که به خدا اجازه می‌دهد، هم او را مخاطب قرار بدهد، هم به کار او ایراد بگیرد؛ چیزی که در مجموعه قبل شاید فکرش را هم نمی‌کرد:

بیا و خط بزنی باز  
تمام صفحه‌ها را  
مرا بنویس از اول  
ولی این بار زیبا

در مجموعه قبل، شاعر تحت تأثیر دیگران، خدا را وصف می‌کرد:

با دو دست پرنیاز  
نردبانی از دعا  
پله پله می‌روم  
تا سپیده تا خدا

که یادآور این بیت است:  
از مقامات طریقت تا فنا  
پله پله تا ملاقات خدا

و حالا در این مجموعه، تحت تأثیر خودش قرار گرفته است.

شعرهای این مجموعه، یعنی خود شاعر. حالا با توجه به این که این مجموعه، سروده یک زن است، آیا می‌توان حس زنانه آن را قدرتمندتر از حس موضوع آن دانست؟ این سؤال ناخودآگاه ما را به سمت اصطلاح «فمینیسم» می‌برد که در این اثر، نشانی از آن نمی‌بینیم. از طرف دیگر، بار فضای معمول شعرها (نمی‌نویسم مردانه) بسیار بیشتر از بار زنانه آن است و چنین بندهایی، به ندرت در این مجموعه دیده می‌شود:

دنیای ما جا می‌شد انگار  
در تیلۀ چشم عروسک  
کاغذ کثی و گوی رنگی  
دنیایی از اکلیل و پولک

حتی این بندها هم گویای هیچ نکته خاصی نیستند و به نظر من، تنها در یک شعر می‌توان ردپایی واقعی از حس زنانه گرفت و آن شعر «عکس‌های یادگاری» است. شاعر از سفر خود به ماسوله، تصویرهایی را انتخاب می‌کند و ارائه می‌دهد که به فضای لطیف زنانه پهلوی می‌زند:

یک دکان جنس عتیقه  
آینه، سرخاب، سرمه  
دست بند اصل نقره  
روسری، منجوق، ترمه

با وجود این، حتی نام مجموعه شعر هم نامی عمومی است (و باز نمی‌نویسم مردانه): «کوله‌پشتی‌ات کجاست؟»  
با همه این‌ها، از سطح نشانه‌ها که

بگذریم، شاید در درون مایه شعرها رگه‌هایی پیدا کنیم که بیشتر دغدغه زنان است تا مردان. مثلاً وقتی حرف از کوله‌پشتی و «علم کوه» است، آن چه پیش از خواندن شعر، با دانستن این دو نشانه در ذهن ما می‌درخشد، تحرک است. در حالی که شاعر به ما می‌گوید، این کوله‌پشتی بر شانه‌های علم کوه جامانده است و در واقع، از آن خاطره‌ای می‌سازد. البته در این مجموعه، شعری هست که نه تنها این قاعده، بلکه قاعده‌های دیگر این مجموعه را نیز به هم می‌ریزد. فضای این مجموعه عموماً فضای حزن‌انگیز است. من این حزن را به سه بخش تقسیم می‌کنم. ۱. حزن مذهبی که دلنشین و معنوی است و از همان بند اول شعر اول، آغاز می‌شود:

خدای خوب من کجایی  
سری بزنی به این طرف‌ها  
خبر نداری از دل من  
که گم شده همین طرف‌ها

۲. حزن یادها که به نظر من بیشتر فضایی تکراری دارد:

روزهای خردسال!  
هفته‌های نوجوان!  
قرن‌های پیرمرد!  
تا کجا دوان دوان؟  
۳. دل‌تنگی.

شاید تمام شعرهای این مجموعه را بتوان در این سه نوع حزن جا داد و فقط یک شعر استثناست؛ یعنی شعر «کفش کوهش» که علاوه بر تحرک، خاطره را هم پس می‌زند و می‌خواهد خودش خاطره بسازد. دلم می‌خواهد با آن که چندان تخصص ندارم، در پایان نگاهی به تصویرگری کتاب بیندازم. من این تصویرها را جداجدا و بدون متن کتاب، تصویرهای بسیار زیبایی می‌دانم. دلیل



هم این است که تصویرگر، علاوه بر ارائه موضوع تصویرگری، با استفاده از ساده‌نمایی و کج‌نمایی، به دنیای نقاشی برمی‌گردد. و ترکیب رنگ‌ها در اثر، به گونه‌ای است که مستقل از موضوع نیز زیبایی‌های خود را به رخ می‌کشد. اگر تصویرها معنی‌دار و پیام‌دار هستند، گوشه چشمی هم به نقاشی مدرن در آن‌ها هست. رنگ‌گذاری آن‌ها هم حساب شده است. بعضی جاها نیز تأثیر یک دوره از نقاشی‌های سهراب سپهری مشهود است. با وجود این همه زیبایی، صفحه‌بندی کتاب جذاب نیست. فضای منفی یا سفید، در صفحات زیاد است و همین باعث معلق ماندن تصویر در صفحه شده و این حس را منتقل می‌کند که انگار تصویرها به صفحه اضافه شده است. همه این‌ها ممکن است این فکر را به ذهن من بیاورد که این کتاب، یک مجموعه شعر به اضافه چند تابلوی نقاشی است.

